

برتری اسلام بر سایر ادیان از دیدگاه آیات و روایات

محدثه سادات میر احمدی*

اشاره

یکی از موضوعات بایسته و اکاوی، تبیین ویژگی‌ها و امتیاز دین اسلام بر ادیان الهی است، زیرا امروزه اسلام از هر زمان دیگر به‌مثابه مرکز ثقل رویارویی گسترده فرهنگی و سیاسی در دنیا مطرح شده و ادیان دیگر را تحت تأثیر قرار داده است؛ از این‌رو، دولت و رسانه‌های غربی در بعد تبلیغاتی و فرهنگی، سیاست اسلام‌ستیزی را به عنوان یکی از راهبردهای خود در قبال گسترش اسلام در پیش گرفته‌اند، زیرا از یک سو اسلام به عنوان مهم‌ترین رقیب ادیان دیگر بویژه مسیحیت به شمار می‌رود و از سوی دیگر گسترش اسلام با منافع غرب در تضاد است.

اسلام دارای ویژگی‌ها و امتیازهایی است که آن را از ادیان دیگر متمایز می‌کند، از این‌رو است که قرآن غیر دین اسلام را نمی‌پذیرد، زیرا اسلام عصاره همه ادیان الهی و کامل‌ترین آنها است: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ

* کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن.

يُقْبَلُ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۱

ادیان جهان از جنبه‌های گوناگونی تقسیم‌بندی می‌شوند؛ از جمله تقسیم‌بندی به ادیان غیر توحیدی همانند هندوئیسم، بودیسم و شیتو، کنفوسیوس و ادیان توحیدی مانند یهودیت، مسیحیت و اسلام.^۲

گفتنی است تفاوت ادیان و تکامل دین، به این معناست که علمای دین‌شناسی همواره از ادیان سخن می‌گویند، مانند دین ابراهیم علیه السلام، دین موسی علیه السلام و...؛ در حالی که از منظر قرآن، دین خدا از آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله یکی است و همه پیامبران دعوت‌کننده به یک دین بودند، ولی دستورهای جزئی و فروعات هر کدام بر اساس سطح درک و تعلیمات زمان خود متفاوت بوده است. این مسئله تکامل دین است، نه اختلاف ادیان.^۳

البته این بدان معنا نیست که چندین دین بر حق در یک زمان وجود داشته باشد و انسان هر دینی را می‌خواهد، می‌تواند بپذیرد؛ بلکه انسان باید همه انبیا را قبول داشته و بداند که پیامبران پیشین، بشارت‌دهنده پیامبر بعدی و پیامبران بعدی نیز مؤید انبیای پیشین بوده‌اند. بنابراین باید در هر زمانی تسلیم شریعت همان پیامبری بود که دوره اوست و در دوره خاتمیت باید به آخرین دستورهای خداوند که به وسیله آخرین پیامبر رسیده، عمل کرد و این، لازمه اسلام یعنی تسلیم شدن به خدا و پذیرفتن رسالت‌های فرستادگان اوست.^۴

۱. آل عمران: ۸۵

۲. حسین توفیقی؛ آشنایی با ادیان بزرگ؛ ص ۱۶.

۳. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲، ص ۱۸۱.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۷۵

برتری دین اسلام

دین اسلام در مقایسه با دیگر ادیان توحیدی، دارای امتیازاتی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. خداشناسی

توحید اسلام، مبتنی بر وحدانیت الوهیت خداوند است؛ یعنی خداوند واحد است و هیچ شریک و نظیری در مرتبه ذات، صفات، افعال و مرتبه عبادت ندارد و از هر گونه عیب و نقص و موصوف به صفت جسمی و مادی، میراست.^۱ چنانچه بخش گسترده‌ای از قرآن کریم، شامل آیات توحیدی است. خداوند در آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ»^۲ علت نفی تعدد الهه را بیان کرده است. در واقع این، یک برهان عقلی و فلسفی است؛ زیرا در صورت تعدد الهه، تعدد اراده و تدبیر در نظام هستی اتفاق می‌افتد و نظام‌مندی و هماهنگی موجود از بین می‌رود که از آن به فساد تعبیر شده است.^۳ در میان آموزه‌های دین مسیح، تثلیث مشتمل بر سه اقنوم: آب، ابن و روح‌القدس وجود دارد که بیانگر یگانگی ذات خداوند است. این سه اقنوم در عین تمایز، دارای یک ذات هستند و از هم جدا نمی‌شوند.^۴ آنها در همه صفات کمال از علم و قدرت و... مساوی هستند و بر یکدیگر برتری ندارند. اقنوم ابن از آب، و روح‌القدس از آب و

۱. رک: محمد صادق فخرالاسلام؛ *افتخار اسلام بر سایر ادیان*؛ ص ۱۵ - ۱۶

۲. انبیا: ۲۲: «اگر در آسمان و زمین معبودانی جز خدا بود، بی‌تردید آن دو تباه می‌شد؛ پس مژّه است خدای صاحب عرش از آنچه [او را به ناحق به آن] وصف می‌کنند».

۳. ناصر مکارم شیرازی؛ *تفسیر نمونه*؛ ج ۱۳، ص ۳۸۱.

۴. دل آرا نعمتی؛ *مقایسه قرآن و عهدین*؛ ص ۱۸۲.

این، متولد شده و اگر عیسی علیه السلام را خدا و یا پسر خدا بنامیم، تفاوتی ندارد.^۱ چگونگی یکتایی خدا در قالب سه اقنوم را سرّ الهی می‌نامند و راه تعقل و تدبیر را به روی انسان می‌بندند؛ در حالی که قرآن از آفرینش انسان، داستان انبیای گذشته، آمد و شد شب و روز، چگونگی حرکت ستارگان و اجرام آسمانی، تنوع و تصوف درختان و میوه‌ها، تسخیر حیوانات برای انسان‌ها و... سخن می‌گوید تا همه انسان‌ها را به تدبیر و تفکر در چگونگی خلقتشان وا دارد و به خالق هستی و عبث نبودن آن پی ببرند.

خدا در برخی منابع دین یهود نیز گاه دارای جسم و مو^۲ و در مواردی دارنده چشم و گوش است.^۳ گاهی نیز دارای چشم و گوش و پا و بینی و دهان است.^۴ در مواردی نیز صفت‌هایی چون محزون شدن، پشیمانی و تأسف خوردن و... به خدا نسبت داده شده است. در سفر تکوین باب ۶ آمده است که خدا بعد از خلقت عالم، نادم و پشیمان شد. عالم را با طوفان غرق کرد، از آن هم پشیمان شد و یا از اینکه انسان را در زمین آفرید، در دل محزون گشت و حال آنکه در اسلام، خدا نه جسم است و نه روح؛ بلکه خالق ارواح و اجسام است: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»^۵.

بحث اعتقادی ارائه شده از دین، سیری عقلانی و منطقی را به تصویر می‌کشاند که جهان هستی با همه نظم و دقت و نظام حیرت‌آورش، آفریننده‌ای دارد و آن را برای هدف و غایتی آفریده است. جامعه بشری با

۱. رک: محمد صادق فخرالاسلام؛ *افتخار اسلام بر سایر ادیان*؛ ص ۲۶ - ۲۷.

۲. دانیال ۷: ۹.

۳. دانیال ۹: ۱۸؛ زبور ۳۳: ۱۵.

۴. زبور ۱۷: ۶، ۸، ۹.

۵. محمد صادق فخرالاسلام؛ *افتخار اسلام بر سایر ادیان*؛ ص ۴۹.

مقضیات انسانی از نوع هوا و هوس بدون وجود پیامبرانی که از خطا و اشتباه دورند، به بیراهه می‌رود و چون طاعت از فرمان خدا و عدم آن، نیازمند پاداش و مجازاتی است؛ پس ظرفیت آن در این دنیا عملی نیست؛ بلکه نیازمند جهانی دیگر با خصوصیات و ظرفیتی متفاوت از این دنیاست و این امر بیانگر ظرفیت ظهور دینی است که در پاسخگویی در تمامی جزئیات این امور تواناست.^۱

۲. کتاب جاودانه

در میان دیگر ادیان توحیدی، تنها دین اسلام است که کتاب الهی‌اش معجزه بوده و یکی از مهم‌ترین راه اثبات نبوت است و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرآن را معجزه خاص خود برشمرده و مخالفان و منکرانش را به مبارزه (تحدی) دعوت کرد. این تحدی، گاهی تحدی به کل قرآن،^۲ گاهی به ده سوره^۳ و گاهی به یک سوره^۴ مطرح شده است.

تحدی به قرآن کریم فقط در باب بلاغت و عظمت اسلوب آن نیست؛ زیرا در این صورت فقط به عرب زبان‌ها اختصاص داشت که اهل زبان قرآن بودند. تحدی به قرآن کریم، بدون هیچ قید و شرط و محدوده زمانی مطرح شده و همه مخالفان و منکران خود تا حال حاضر و آیندگان را به تحدی دعوت کرده است.^۵ نیاوردن حتی یک سوره از قرآن تا به کنون و حتی اقدام

۱. سید محمدحسین طباطبایی؛ آموزش دین؛ ص ۱۱.

۲. اسراء: ۸۸.

۳. هود: ۱۳.

۴. بقره: ۲۳.

۵. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی

همدانی؛ ج ۱، ص ۹۴.

نکردن به این عمل، خود بهترین دلیل بر اعجاز و صحت صدق گفتار پیامبر ﷺ است.^۱ ادیان دیگر از چنین امتیازی بی‌بهره‌اند و کتاب پیامبران پیشین معجزه نبوده و دستخوش تحریفات و تغییرات زیادی شده است. چنین تعبیری از قرآن، در کلام دانشمندان مسیحی نیز دیده می‌شود. فرانسوا ماری ولتر،^۲ می‌گوید:

من یقین دارم اگر قرآن و انجیل را به یک فرد غیرمتدین ارائه دهند، او حتما قرآن را بر خواهد گزید؛ زیرا کتاب محمد ﷺ در ظاهر، افکاری را تعلیم می‌دهد که به اندازه کافی بر مبنای عقلی منطبق است و شاید هرگز قانونی کامل‌تر از قوانین قرآن درباره طلاق وضع نشده باشد.^۳ مستشرق دیگری به نام جیمز.ا. میچز گفته است:

قرآن مانند انجیل نیست؛ بلکه در سبکی قابل ستایش نگارش شده که نه شعر است و نه نثر و هنوز قابلیت آن را دارد که شنوندگان را با شوق و لذتی خاص به خود جذب کند». شارل فرانسویز یکی از اساتید آمریکایی نیز ناشناخته بودن انجیل در میان مسیحیان را یکی از خوش‌شانسی‌های انجیل می‌داند.^۴

اعجاز قرآن، هر گونه تحریف و تغییراتی را از ساحت قرآن به دور دانسته است؛ زیرا دعوت خداوند به تحدی، بیانگر ناتوانی بشر در آوردن مثل و ماندنی برای قرآن یا اضافه و کم کردن مطلبی از قرآن و اخلال در ترکیبات

۱. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. فیلسوف و نویسنده بزرگ فرانسوی.

۳. رئیس اعظم شاهد؛ اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان؛ ص ۱۲۴.

۴. همان، ص ۱۲۷.

آن است. آیه حفظ: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛^۱ به صراحت بر حفظ و حراست از قرآن کریم تأکید کرده است. قرآن به حکم تواتر از نسل‌های پیشین به بعدی انتقال یافته است و ضرورت تواتر در مجموع سوره‌ها، آیات، جملات ترکیبی، کلمات، حروف و حتی تهجی آن می‌باشد. بنابراین اگر قرآینت هر حرف و کلمه و لفظ قرآن از دوره رسالت در طول قرون و در تمام طبقات به تواتر ثابت رسیده باشد، دیگر جایی برای احتمال تحریف باقی نمی‌ماند.^۲ حساسیت بسیار زیاد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نوشتن آیات در همان لحظه نزول و انتخاب افرادی به عنوان کاتبان وحی، حافظان قرآن، قرائت مداوم و مستمر آیات و نیز معیار بودن قرآن در صدق و کذب اخبار و بسیاری موارد دیگر، همگی دال بر آن است که مصحف کنونی همان مصحف بی‌کم و کاست زمان نزول است.^۳ موارد بسیار زیادی از اعجاز قرآن چون اخبار از غیب، اعجاز بیانی، علمی و عددی، سلامت از تناقض و اختلاف و ... وجود دارد که هر کدام به تنهایی بر معجزه بودن قرآن کفایت می‌کند.

اما صحت و استناد عهدین، به گونه‌ای است که اتصال سند هر یک از کتاب‌های عهدین به مرکز وحی به طریق تواتری که مفید یقین باشد، در طبقات آن ممکن نیست و برخی کتاب‌های عهدین بر تحریف برخی دیگر گواهی دارند. افزون بر آنکه بسیاری از آیات قرآن^۴ - به عنوان تنها سند و کتاب الهی محفوظ مانده و به تواتر رسیده - بر تحریف عهدین دلالت

۱. حجر: ۹ (ما قرآن را نازل کردیم و ما بطور قطع نگهدار آنیم)

۲. محمد هادی معرفت؛ تحریف‌ناپذیری قرآن؛ ترجمه علی نصیری؛ ص ۴۳.

۳. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۱، ص ۲۴ - ۲۷.

۴. آل عمران: ۷۸؛ بقره: ۷۴.

دارند. در بسیار از مضامین کتب مقدس نیز سخنانی مبنی بر کفر و شرک و تهمت‌های ناروایی از انبیای گذشته به چشم می‌خورد؛ حال آنکه قرآن به نیکی و با صفات پسندیده‌ای از آنها یاد، و آنها را تأیید کرده است.^۱ بنابراین تکیه‌گاه عمده مسیحیان و یهودیان در مقام مناظره با مسلمانان که مبنی بر مندرجات کتب مقدس است، کاملاً بی‌اساس است؛ زیرا صلاحیت استناد و رجوع ندارد.^۲

۳. خردپذیری و خردپروری

از جمله امتیازات مهم اسلام، عقلانیت آموزه‌های آن است. این مسأله در امور مختلفی نمودار است؛ از جمله: خداشناسی، هستی‌شناسی، انسان و فرجام‌شناسی. دعوت به تحقیق و پرسش. خردپذیری آموزه‌های اسلام، از چنان روشنی برخوردار است که قرآن، آدمیان را به بررسی هوشمندانه و انتخاب خردمندانه دین دعوت کرده و هر گونه تحمیل پذیرش دین نهی می‌کند: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَ»^۳ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۴؛ اما مسیحیت کنونی به علت قرار گرفتن در تنگناهای شدید معرفتی و ناتوانی در حل رابطه تثلیث و توحید و تجسد و خدا انگاری مسیح، به جداسازی ایمان از معرفت فتوا داده و دین و ایمان را با عقل و خرد بیگانه ساخته است! پروفیسور لگنهاوزن می‌گوید: «چیزی که در اسلام

۱. مریم: ۴۱؛ انعام: ۸۴ - ۹۰؛ مائده: ۷۵.

۲. ر.ک: محمد جواد بلاغی؛ اسلام آئین برگزیده؛ ص ۱۰۷ - ۱۱۰.

۳. نسا: ۱۴۰.

۴. بقره: ۲۵۶.

بیش از همه، برای من جاذبه داشت، این بود که چقدر این دین از پرسش‌های انسان استقبال می‌کند و همواره دعوت به تحقیقات بیشتر در تعالیم دین می‌کند، همچنین ایشان، می‌گوید: «وقتی از کشیش‌ها می‌پرسیدم که من نمی‌فهمم چه طور خدا یکی است و سه شخص است؟ در اکثر موارد جواب می‌گفتند که ما نمی‌توانیم به درک این آموزه برسیم. تنها خدا می‌داند که حقیقت این امر چیست و عقل در اینجا به بن بست می‌رسد!». ^۱

۴. پاسخگویی به نیازهای جامعه

جامعه متمدن همواره نیازمند منبعی غنی برای پاسخگویی به نیازهاست. دین اسلام، تنها دینی است که هیچ یک از شئون و امور انسانی و اجتماعی را مهمل نگذاشته و در جزئی‌ترین مسائل و امور یک جامعه وارد شده است. اموری چون حقوق، مدیریت، اقتصاد، اخلاق، عبادت، علوم روز و حتی روابط زناشویی و ...؛ زیرا همه این مسائل در تقرب به آن کمال مطلق و هدف نهایی تأثیرگذارند و دین، به اندازه تأثیرگذاریشان، با آنها سر و کار دارد. به گفته برنارد شاو، فیلسوف انگلیسی: «اسلام، تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد...». ^۲ او در جایی دیگر درباره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گوید: «... به نظر من اگر مردی چون او صاحب‌اختیار دنیای جدید شود، طوری در حل مسائل و مشکلات دنیا توفیق خواهد یافت که صلح و سعادت مورد آرزوی بشر تأمین خواهد شد». ^۳

۱. محمد لگنهاوزن؛ «با پرسش زنده‌ام»، پرسمان (ماهنامه)، پیش شماره اوله خرداد ۸۰، ص ۵.

۲. مهدی بازرگان؛ مجموعه آثار؛ ج ۲، ص ۶۳ و ۶۴.

۳. همان، ص ۶۴.

جان دیون پورت می‌نویسد:

... قرآن مطابق تحقیقات کومب با انجیل فرق دارد؛ زیرا انجیل دارای مکتب و روش فقهاتی نیست؛ بلکه به طور کلی محتویات آن مرکب است از قصص و روایات و بیانات تحریض و ترغیب بشر در نشر عواطف و احساسات عالی و فداکاری و... ولی هیچ نوع عامل و رابطه منطقی جالب و جذبی که این معانی را با یکدیگر ربط دهد، در انجیل وجود ندارد. از این گذشته قرآن مانند اناجیل نیست که فقط به عنوان میزان و شاخصی درباره عقاید دینی و عبادت و عمل درباره آن شناخته شده است؛ بلکه دارای مکتب و روش سیاسی نیز هست؛ زیرا تخت و تاج یا به تعبیر دیگر اساس دستگاه و سازمان سیاسی، روی این شالوده ریخته شده و هر نوع قانونی برای اداره امور کشور، از این منبع گرفته می‌شود.^۱

دین یهود و مسیح (صرف‌نظر از مسئله تحریف) تنها به هدایت‌ها و کلیاتی محدود و توسعه‌نیافته اقوام مختلف پرداخته و بیشتر تعلیمات آنها درباره زدودن خرافه‌های موجود و شرک و هموار کردن راه خداپرستی و اخلاقیات ساده بوده است.^۲ پرفسور مشهور ایتالیایی، لورا وکسیجا، در این باره گفته است:

انجیلی که امروز به عنوان کتاب مقدس تمام مردم مغرب زمین است، وقتی اوراق آن را باز می‌کنیم، می‌بینیم که غالباً به دستورات اخلاقی و فردی پرداخته است؛ اما قرآن مسلمانان نه تنها در امور اخلاقی و

۱. جان دیون پورت؛ *عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن*؛ ترجمه: غلامرضا سعیدی؛ ص ۹۹.

۲. یحیی نوری؛ *شناخت تحلیلی اسلام و برخی مسلک‌ها و ادیان*؛ ص ۶۳.

معنوی بالاترین دستورات را داده است؛ بلکه بخش عظیمی از آن در امور اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، تشویق به علم، خانواده، بهداشت، حقوق همسایه، تجارت و... است.^۱

بنابراین دین یهود و مسیح در بعد عملی یا همان احکام دینی، همه جانبه نبوده و همانند اسلام پاسخگویی نداشته‌اند؛ زیرا هنگامی که قرآن از قوانین حقوقی و فقهی چون ارث، وصیت و طلاق سخن می‌گوید، از ذکر مباحث اجتماعی چون قرض الحسنه، انفاق، رفع مشکلات مردم و یا مباحث اخلاقی چون امور زناشویی و یا تربیت کودکان غافل نیست. در واقع اسلام افزون بر بحث اعتقادی، در دیگر شاخه‌های دینی چون عملی یا احکام و اخلاق که در ابتدای نوشتار حاضر معرفی شد، غنی است.

پاسخگویی به نیازهای جامعه توسط دین، مسئله شرایط جدید و مقتضیات زمان را پیش می‌آورد که این مسئله در دین مسیحیت و یهودیت بی‌پاسخ رها شده است؛ زیرا در برابر مسائل و مشکلات روز ناتوان است. در حالی که اسلام همواره به رعایت مقتضیات زمان و شرایط جدید توجه داشته و مؤمن راستین را به تفقه در دین و اجتهاد در احکام، برای استخراج قوانین جدید در رخدادها و مسائل روز جامعه سفارش می‌کند؛ چرا که هر عصری اقتضائات و شرایط مخصوص به خود را دارد. خداوند در این زمینه فرموده است: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفُرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۲؛ زیرا همواره

۱. رئیس اعظم شاهد؛ اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان؛ ص ۱۵۰.

۲. توبه: ۱۲۲: «شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند) تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند».

باید افرادی متخصص در دین (مجتهد) وجود داشته باشند که اصول اسلامی را با مسائل متغیری که در زمان پیش می‌آید، تطبیق دهد. به همین دلیل اجتهاد، نیروی محرکه و انعطاف‌پذیری اسلام است.^۱

۵. تساوی در آفرینش و لغو امتیازات قومی

یکی از مباحث اخلاقی در دین اسلام، لغو امتیازات قومی و قبیله‌ای است. از نظر اسلام همه انسان‌ها از جهت آفرینش با هم برابرند و هیچ تفاوت نژادی، قومی، زبانی میان آنها وجود ندارد؛ زیرا هدف اسلام از بین بردن ریشه تفاخرات قومی است و خطابات قرآنی به نوع انسان بر می‌گردد، نه یک ملت و گروه خاص. عبارات «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، «یا أَهْلَ الْكِتَابِ» و «یا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، خطاب به عموم مؤمنان و کافران و اهل کتاب است، نه مؤمنان فلان قوم و...؛ زیرا دین اسلام، دینی جهانی است که نگاهی یکسان و مساوی به تمامی ملت‌ها دارد.^۲ این در حالی است که یهودیان، خود را نژاد برتر می‌دانند. انسان‌ها را به بنی‌اسرائیل و غیر بنی‌اسرائیل تقسیم می‌کنند و خود را فرزندان خدا و دوستان خاص خدا بر می‌شمرند و در پی تبلیغ آئین خود در میان دیگر اقوام نیستند.^۳ قرآن تقوا را به عنوان تنها عامل برتری انسان‌ها و دلیل اختلاف قومیت‌ها و نژادها را شناخت یکدیگر معرفی می‌کند تا امر اجتماع و معاملات، بهتر انجام شود:^۴ «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ

۱. ر.ک: مرتضی مطهری؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ ص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۲. سید محمد موسوی‌زاده؛ نگرش انسان به سایر ادیان؛ ص ۱۱۷.

۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱، ص ۳۵۵.

۴. سید محمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی

همدانی؛ ج ۱۸، ص ۴۸۸.

مِنْ ذَكَرٍ وَأَنْتَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^۱

۶. حمایت از مظلومان

بی تردید اسلام، دین مدارا و زندگی مسالمت آمیز است، اما ظلم پذیری نیست؛ زیرا این امر خلاف عقلانیت و مصالح عمومی است. اسلام حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم را وظیفه همگان می داند و بر آن است تا به ندای هر مظلوم و مستضعفی، پاسخ مثبت داده و به حمایت از آنان بپردازد. از این رو قرآن با حالتی از سرزنش نسبت به مسلمانان می فرماید:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»^۲ و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی جنگید، همانان که می گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه اند، بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما.

امام علی علیه السلام نیز هنگام شهادت در آخرین وصیت خویش به فرزندانش می فرماید: «وَكُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»^۳ دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید. در این حدیث امام علیه السلام مطلق ظالم و مظلوم بیان شده و به دین،

۱. حجرات: ۱۳: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است.»

۲. حج: ۳۹.

۳. محمد بن حسین الشریف الرضی؛ نهج البلاغة؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۱۲.

مذهب، نژاد و رنگ اشاره‌ای نشده است؛ بر این اساس یکی از اصول اساسی سیاست خارجی نظام ولایی اسلام، مبارزه با ظالمان و مستکبران جهان بی‌توجه به جغرافیا، نژاد، دین، مذهب و جنسیت است. نمونه این رویکرد، حمایت همه‌جانبه ایران از مظلومان، حمایت از مردم فلسطین، یمن و ... است. و حال اینکه در انجیل «متی» سخن از «انظلام» یعنی ظلم‌پذیری است که با شریک مقاومت مکنید و اگر کسی برگونه راست تو سیلی زد گونه چپ خود را نیز به طرف او بگردان.^۱

۷. خاتمیت دین اسلام

با ظهور اسلام، خداوند تمام مراد خویش را از طریق پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به بشر ابلاغ کرد، به گونه‌ای که برخی ناگفته‌ها نیز عنوان شد تا فیض الهی، همه استعدادها را از حیث ظهور نوابغی در آینده در بر گرفته باشد. پس از آن، با به‌کارگیری عقل و تجربه در چارچوب اصول الهی، مراد خداوند محقق می‌گردد.^۲ مستشرق ایتالیایی پرفسور مشهور، لورا وکسیجا در مورد وسعت اندیشه موجود در قرآن، می‌گوید:

ما در این کتاب (قرآن) مخزن‌های عظیم و ذخایری از دانش را می‌بینیم که مافوق استعداد و ظرفیت باهوش‌ترین اشخاص، بزرگ‌ترین دانشمندان و فیلسوفان و قوی‌ترین رجال سیاست است. به همین دلیل نمی‌توان گفت قرآن از مغز یک یا چند انسان نابغه و تحصیلکرده تراوش کرده باشد؛ چه رسد به کسی که تمام عمرش را به کارهای عادی مشغول بوده است. پس

۱. <https://www.porseman.com/article>.

۲. ر.ک: حسن رحیم‌پور ازغدی؛ محمد صلی الله علیه و آله پیامبری برای همیشه؛ ص ۱۱۳.

منشا قرآن از ساحت خداوند سرچشمه گرفته است که علم او به آنچه در آسمان‌ها و زمین است، احاطه دارد.^۱

آیات بسیاری بر خاتمیت دین اسلام و قرآن دلالت دارد: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا».^۲ این آیه شریفه بر جهانی شدن و خاتمیت دین اسلام تأکید دارد؛ زیرا دو عالم از نظر مکانی و زمانی، نامحدود است و همه آیندگان را در بردارد و بیم‌دهندگی و هشدار مذکور، همه مردم از روز نزول قرآن تا روز قیامت را شامل می‌شود. در آیه «...لَمَّا جَاءَهُمْ وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ...»^۳ خداوند بر حجیت قرآن کریم تا روز رستاخیز تأکید دارد؛ زیرا هیچ امر باطلی در آن نفوذ ندارد. واژه «کافه» در آیه «أَوْ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۴ به معنای عامه است؛ یعنی تو (پیامبر ﷺ) برای همه عالمیان مبعوث شده‌ای و رسالت تو عمومی و جهانی است؛ چرا که در غیر این صورت پیامبر همه مردم نخواهی بود.^۵

اهداف آیات قرآن فراگیر و محدود به گروه خاصی نیست «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ

۱. رئیس اعظم شاهد؛ اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان؛ ص ۱۵۱.

۲. فرقان: ۱: «همیشه سودمند و با برکت است آنکه فرقان را به تدریج بر بنده‌اش نازل کرد، تا برای جهانیان بیم‌دهنده باشد».

۳. فصلت: ۴۱ و ۴۲: «... بی‌تردید قرآن کتابی شکست‌ناپذیر است که هیچ باطلی از پیش رو و پشت سرش به سویش نمی‌آید، نازل شده از سوی حکیم و ستوده است».

۴. سبأ: ۲۸: «و ما تو را برای همه مردم جز مؤده‌رسان و بیم‌دهنده نفرستادیم، ولی بیشتر مردم آگاهی ندارند».

۵. جعفر سبحانی؛ خاتمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل؛ ترجمه رضا استادی؛ ص ۵۳ - ۶۸.

بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...»^۱ هدف این آیه رسیدن به اشتراکی واحد در میان همه پیروان ادیان توحیدی است که غیر از خدا را عبادت نکرده و شریکی قائل نباشند. در حالی که اگر هدف قرآن تنها اختصاص به محیط اطرافش بود فقط بت پرستان محیط عربستان را شامل می شد درحالی که بعد از ۱۴۰۰ سال همچنان نجات بخش و زنده است.^۲

ذکر این نکته ضروری است که بعد از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وانقطاع وحی آسمانی، مسئله خاتمیت اسلام چگونه خواهد بود؟ آیا تدبیری از سوی خداوند در متن دین صورت گرفته است؟ مسئله امامت که مهمترین اصول اعتقادی شیعه را شکل می دهد، در اینجا مطرح می شود بدان معنی که به دلیل ظرفیت محدود ایام رسالت و شخص پیامبر اکرم در رساندن تمام جزئیات احکام و مسائل مورد ابتلای بشر ضرورت وجود امامان معصومین کاملاً احساس می شود؛ زیرا با توجه به تحولات بی پایان زندگی بشری و موقعیت فرهنگی مردم آن زمان، امکان ابلاغ معارف و احکامی که ظهورش قرن‌ها بعد بود، ناممکن بود؛ بنابراین یکی از مهمترین عوامل و عناصر اكمال دین و خاتمیت دین اسلام، مسئله امامت است که در قرآن کریم به آیه اكمال^۳ معروف است.^۴ در این آیه به صراحت گفته شده که به تکامل رسیدن

۱. آل عمران: ۶۴: «بگو ای اهل کتاب، بیاید از آن کلمه‌ای که پذیرفته ما و شماست پیروی کنیم، آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد».

۲. ر.ک: مرتضی مطهری؛ خاتمیت؛ ص ۷۳ - ۷۷.

۳. مانده: ۳: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا: امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم».

۴. ر.ک: احمد حسین شریفی؛ خاتمیت، امامت و مهدویت؛ ص ۷۰.

دین اسلام و راضی شدن خداوند به آن، بدون تعیین جانشین برای پیامبر یعنی آغاز امامت و روشن شدن وضع آینده مسلمانان امکان پذیر نیست^۱ زیرا بر اساس قرآن، پیامبر، خود تبیین کننده احکام دین - با توجه به برخی اجمال‌گویی قرآن - و مفسر قرآن می‌باشند و پس از ایشان نیز ائمه معصومین علیهم‌السلام با توجه به مقام عصمت، مرجعیت دینی مسلمانان - یکی از شوون امامت - را به عهده دارند و به شرح جزئیات شریعت و رفع شبهات و اختلافات در جامعه اسلامی می‌پردازند. بنابراین در خاتمیت دین اسلام، مسئله امامت که رشته اتصال و تداوم نیاز بشر با آموزه‌های وحیانی است ادامه می‌یابد.

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۴، ص ۲۶۵.